‹هوالحکیم›

عنوان:

فاعلیت خداوند در فلسفه‌ی مشاء و حکمت متعالیه

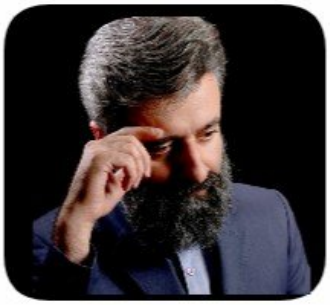

دکتر باقرپور کاشانی

صَلَّی اللّهُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ الزَّمان

『@SERATEHAGH1』

در فلسفه‌ی مشاء، ابن‌سینا فاعلیت خداوند رو فاعلیت بالعنایه می‌دانست؛ یعنی چی؟ بالعلم.حالا من فاعلیت بالعنایه رو از رو می‌خونم این قولی که آقایون مطرح می‌کنن، بعد خب یك دسته‌بندی می‌کنیم چون می‌خوام متن رو درست بفهمیم.«فاعل بالعنایه، فاعلی است که به فعل خود آگاه است ولی قصدی در کار نیست؛ یعنی غرض ندارد، بلکه نفس علم و شعورش باعث انجام کار می‌شود و علم او زائد بر حقیقت و ذاتش است». یعنی چی‌شد؟ پس شد علم خدا. علم خدا می‌گه غیر ذاتش هست؛ در بحث فاعلیت بالعنایه دارم عرض می‌کنم؛علم خداوند غیر ذاتش هست.«به‌عنوان مثال اگر کسی روی دیوار بلندی راه برود، به محض این‌که متوجه ارتفاع بلند دیوار شود سقوط می‌کند». این علم که متوجه می‌شه سقوط می‌کنه. «یعنی خود به خود سقوط می‌کند، در حالی که قصد سقوط هم ندارد و این‌جا علم او غیر ذاتش می‌باشد و همین علم او علت فعلش است. در این‌جا فقط عنایت به فعل است و این فعل به جهت استکمال نیست». پس می‌گن فاعل بالعنایه در ارتباط با این فاعلیت، فاعلیتی که علم، زائد بر اون ذاتش هست و در خود بطن و کتم اون ذات در حقیقت علم نخوابیده، علم عارض بر اون شده؛ که خب حالا اشکالات زیادی به این فاعلیت بالعنایه هست.

«که در حقیقت سه نقص به نظر می‌رسد. فاعل بالعنایه آن است که به فعلش آگاه است و علم تفصیلی (جزئی) به فعلش دارد، منتها علمش زائد بر ذاتش است».یعنی علمش چیه؟ می‌گن یك صورت‌های، صور مرتسمه‌ای هست که عارض هست در حقیقت به این ذات می‌شه.از اشکالاتی که مطرح می‌شه یکیش این هست که:«لازمه‌ی آن صور مرتسمه در ذات، عروض عوارض بر ذات است، و ذات مقدس محل عروض و عوارض واقع نمی‌شود».یعنی شیئی به شیئی بخواد عارض بشه؛ این اشکال اول.«اشکال دوم این است که این نظر موجب جهل در مرتبه ذات می‌شود». یعنی خداوند در ذاتش علم نداشته، علم باید از غیر بشه، باید زائد به این بشه، اضافه به این بشه، عارض به این بشه. خب به این بیان طبق این نظریه، علم حضرت حق، زائد بر ذات اوست، پس خداوند در مرتبه‌ی ذات بدون علم است و جهل داره و این نقص برای خداست.«اشکال سوم این است که این عقیده با اختیار خداوند تناسبی ندارد».اون مثالی که زدیم چی بود؟ یعنی همین‌که میابد که تو بلندی و این حالتی می‌خواد بیفته، میفته. «این عقیده با اختیار حضرت حق تناسبی ندارد (یعنی نمی‌تونه جلوش رو بگیره) چون به موجب این نظریه‌ی نفس توجه ذات به علم، موجب فعل می‌شود، یعنی به نفس علم، فعل صادر می‌شود.

پس محل اختیار خداوند کجاست»؟ نیست!«اگر این‌طور گفته بشود علم او همان اختیار اوست، در جواب می‌گوییم ما از علم جز معنای انکشاف نمی‌فهمیم». اختیار یعنی «لهُ أنَ یفعَل لهُ أن لاَ یفعَل» فعلی رو انجام بده فعلی رو ترك بکنه؛ علم به معنای کاشفیت و دانستن هست؛این‌ها با هم متفاوت هست. حالا ببینید این‌جا می‌نویسن که بر اساس علیّت یا فاعلیت ذات بالعنایه چنین بوده که طبق علیّت و معلولیت، نفوس و عقول مستند به مبدأ واجدالوجود و مستند به علم ذات هست. این‌جا فاعل بالعنایه رو توضیح دادیم. پس این اشکال است و بالاخره مختار محقق شیرازی مرحوم آخوند ملاصدرا، فاعلیت به تجلی هست؛ یعنی چی؟ یعنی تطور؛ و اختلاف بین واجب و ممکن به اطلاق و تقیید و لاتعیّن و تعیّن هست و برگشت مشیّت و اراده به علم ذاتی هست و نظام عالم کلاً و جزاً غیر قابل تخلف و بدون مشیّت و اراده و حریت و اختیار هست.فاعلیت دیگه‌ای رو ایشان مطرح می‌کنن که نگاه مرحوم آخوند ملاصدرا هست که همون تطور هست یا فاعل به تجلی دانستن خداوند هست.در خصوص فاعل بالتجلی هم این‌جا در توضیحش باز اومده که در کتاب‌های فلسفی یعنی چی؟ می‌گن یعنی ذات حق، تجلی در خودش کرده و فعلش عین تجلی خود ذات هست و ظهورات ذات هست.

یعنی یك حقیقت هست، یك وجود هست و تجلیات خود اون که این‌ها ظهورات او، تجلیات او هستن و اون‌ها غیر خداوند نیستن؛ حالا این‌جا ممکن هست که طرف مطرح بکنه که حالا سؤال بشه منظور شما از این تجلی چیه؟

آیا قائل هستید که این مخلوقاتی که شما می‌گید که ظلّ او هستن، تجلی او هستن، ظهورات او هستن، این‌ها غیر او هستن و بینونت ذاتی بین اون‌هاست؟ اون رو نمی‌گن.این‌ها غیر او هستن و مسانخ با اون ذات هستن، هم‌سنخ اون هستن؟ این رو نمی‌گن؛ می‌گن اساساً وجودی غیر از وجود پروردگار نیست! و این‌ها تجلیات و تطورات و تعینات همون حقیقت هست!

خب این وارد بحث وحدت وجود می‌شه، وحدت شخصیه‌ی وجود می‌شه که خب این‌ها رو کراراً در جلسات مختلف، ادله‌ی وحدت شخصیه‌ی وجود رو ما درس دادیم و نقدش کردیم و مناظراتی داشتیم که دوستان می‌تونن به سایت‌مون یا کانال‌مون رجوع بکنن و یك‌سری مناظراتی که با اساتیدی که قائل به وحدت وجود و موجود و وحدت شخصیه‌ی وجود بودن، اون‌جا بحث‌هاش رو ما داشتیم.